

## امر به معروف و نهی از منکر و آسیب‌های اجتماعی

علی رضائی بیر جندی

﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾<sup>۱</sup>

باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند.

امر به معروف و نهی از منکر دو فرع مهم از فروع دین و از ضروریات دین اسلام به شمار می‌آید و با توجه به احکام مشترکی که دارند همواره در کنار هم مطرح می‌شوند. مباحث آن در حوزه‌های کلامی و فقهی و اجتماعی مورد طرح و بررسی قرار می‌گیرد.

آیات فراوانی از قرآن به آنها به صورت کلی و یا مصداقی پرداخته و نمونه‌های عینی و تاریخی از آنها بیان می‌کند. این دو اصل قرآنی جای‌گاه و اهمیت ویژه‌ای در نگاه قرآنی دارد، گاه از این دو اصل در کنار ایمان به خدا و آخرت یاد شده است<sup>۲</sup> و گاه پیش‌تر از بر پاداشتن نماز و زکات به عنوان ویژگی‌ای اساسی مومنان قلمداد شده است.<sup>۳</sup> و از ویژگی‌های مومنان و حاکمان و امت نمونه عمل به آن دانسته شده است<sup>۴</sup> و فقدان و یا مخالفت و یا عمل به عکس آن را از ویژگی‌های منافقان برشمرده است.<sup>۵</sup>

۱. آل عمران، آیه ۱۰۴.

۲. آل عمران، آیه ۱۱۴.

۳. توبه، آیه ۷۱.

۴. نحل، آیه ۹۰؛ اعراف، آیه ۱۵۷.

۵. توبه، آیه ۶۷.

این اصل چنان جای‌گاه و اهمیتی در اسلام دارد که خداوند از آن به عنوان یکی از ویژگی‌های شناسایی پیامبر اسلام در کتاب‌های آسمانی یاد می‌کند و می‌فرماید:

در کتاب تورات و انجیل نوشته شده است که آن رسول امی کسی است که آنان را به معروف دستور می‌دهد و از منکر و زشت باز می‌دارد.<sup>۱</sup>

آیات قرآنی بیان می‌دارد که امت‌های پیشین به جهت نادیده گرفتن این دستور الهی از سوی پیامبرانشان لعن شده‌اند.<sup>۲</sup> و یا به گناه ترک امر به معروف و نهی از منکر از سوی خداوند به عذابی سخت گرفتار شدند.<sup>۳</sup> و بر این که بنی اسرائیل مردمانی هستند که جز اندکی از ایشان از فساد باز نمی‌داشتند، مورد سرزنش سخت قرار گرفته و توبیخ شده‌اند.<sup>۴</sup> و حتی لقمان به عنوان یکی از مهم‌ترین اصول فرزندش را به آن فرا می‌خواند و می‌گوید:

ای پسر! نماز به پا دارد و امر به معروف کن و از منکر باز دار و بر آن چه به تو می‌رسد شکیبایی کن!<sup>۵</sup>

همه آن‌چه گفته شد آیاتی بود که بر اهمیت و جای‌گاه مهم و اساسی این اصول تاکید می‌ورزند و آن را بسیار حیاتی بر شمرده و خواهان مراعات آن از سوی مومنان و عمل به این وظیفه می‌شود.

### امر به معروف ونهی از منکر رسالتی اجتماعی

شایان گفتن است که مومن افزون بر این که خود می‌بایست اهل معروف و دوری از منکر و زشتی‌ها باشد، موظف است دیگران را به سوی معروف بخواند و از منکرات دور نماید، به این معنا که این اصول بیانگر مسئله توجه اسلام به امور و مسائل اجتماعی است. در حقیقت از همان آغاز پس از خودسازی همّت و اهتمام مومنان را به دیگر سازی توجه می‌دهد. چنان که در آیات سوره عصر پس از بیان این که مومنان چه کسانی هستند و این که به خودسازی می‌پردازند به مسئله اجتماعی پرداخته و از

۱. اعراف، آیه ۱۵۷.

۲. مائده، آیه ۷۸ و ۷۹.

۳. اعراف، آیه ۱۶۵.

۴. هود، آیه ۱۱۶.

۵. لقمان، آیه ۱۷.

ویژگی‌های مومنان راه یافته و رهایی یافته و از زیان گریخته به مسئله سفارش دیگران به حق (ایمان) و عمل به کارهای شایسته و صالح می‌پردازد تا بیان کند که اسلام دینی است که به دو جنبه فردی و اجتماعی توجه دارد.

از آن جایی که امر به معروف و نهی از منکر جنبه فردی نداشته و وظیفه‌ای اجتماعی است و در روابط انسان با دیگران معنا و مفهوم می‌یابد، به گونه‌ای است که به جنبه سیاسی یعنی به مسائلی چون ولایت ارتباط پیدا می‌کند و اسلام را از حوزه دین فردی به شریعتی سیاسی تبدیل می‌نماید. در حقیقت همین مسئله امر به معروف و نهی از منکر از جمله براهین و ادله استواری است که می‌توان به کمک آن اسلام سیاسی را اثبات کرد؛ زیرا بدون سلطه و ولایت امکان این وجود ندارد تا فردی، دیگری را به عمل به کارهای پسندیده و معروفی دعوت و یا از اعمال منکر و زشت بازدارد.

قرآن در آیات چندی به ولایت مومنان بر یک دیگر توجه داده است و در زمینه امر به معروف و نهی از منکر اول به رابطه ولایتی بین مومنان می‌پردازد سپس به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر توجه می‌دهد. که بیانگر آن است که نوعی ولایت سیاسی در حوزه دین و شریعت تجویز شده است. به نظر می‌رسد که نادیده گرفتن این بعد سیاسی دین از سوی برخی تنها از جهت عدم آشنایی با دین اسلام و یا از جهت تحریف و مقابله با حقایق دینی است.

قرآن با تعبیراتی گوناگون به موضوع امر به معروف و نهی از منکر پرداخته تا وجوب عینی آن را بر مومنان اثبات کند؛ تعبیراتی چون ولایت برخی بر بعضی دیگر (توبه، آیه ۷۱) امر به عرف (اعراف، آیه ۱۹۹)، امر به عدل (نحل، آیه ۹۰) امر به قسط (آل عمران، آیه ۲۱) و نهی از سوء (اعراف، آیه ۱۶۵)، نهی از فحشاء (نحل آیه ۹۰)، نهی از فساد (هود، آیه ۱۱۶) و نهی از گناه (مائده، آیه ۶۳) نمونه‌های از این دست آیات است که به این مهم اشاره داشته و وجوب آن را اثبات می‌کند. محتوای این آیات و آیات دیگری از قرآن بر ضرورت و لزوم امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی و سرزنش و نکوهش امت و کسانی اشاره دارد که آن را ترک کرده و به سرنوشت شومی دچار و گرفتار گشته‌اند.

هم چنین برای معروف و منکر در آیات قرآنی مصادیق بی شماری بیان شده است که برخی شمار مصادیق معروف در قرآن ۴۴ مورد و مصادیق منکر را ۴۸ مورد بر شمرده‌اند.<sup>۱</sup>

۱. حسین نوری همدانی، امر به معروف و نهی از منکر، ص ۸۳ - ۸۴، دفتر تبلیغات، ۱۳۷۷.

### نهضت حسینی و وظیفه امر به معروف و نهی از منکر

اما آن چه در این جا مورد توجه این نوشتار است، تاثیر این مسئله در نهضت امام حسین علیه السلام و رخداد طف است.

هدف قیام امام حسین علیه السلام را می توان به آسانی و بدون تکلف از سخنان آن حضرت استنباط کرد.

آن گاه که امام علیه السلام بر اثر تهاجم عمال حکومت ناچار شد از مدینه خارج گردد، در ضمن نوشته های، هدف حرکت خود را چنین شرح داد:

۱.

إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْأَصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛<sup>۱</sup>

من از روی خود خواهی و خوشگذرانی و یا برای فساد و ستمگری قیام نکردم، من فقط برای اصلاح در امت جدّم از وطن خارج شدم. می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره و روش جدّم و پدرم علی بن ابی طالب عمل کنم.

در این سخن چند نکته مهم، شایان توجه است: ۱. اصلاح امت، ۲. امر به معروف و نهی از منکر، ۳. تحقق سیره و روش پیامبر و علی علیه السلام.  
۲. آن حضرت در مقام دیگری فرموده است:

أَللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ وَلَا ائْتِمَاسًا مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ وَلَكِنَّ لِنَرْدِ الْمَعَالِمِ مِنْ دِينِكَ وَنَظْهِرِ الْأَصْلَاحِ فِي بِلَادِكِ وَيَأْمَنِ الْمَظْلُومُونَ مَنْ عِبَادِكَ وَيُعْمَلْ بِفَرَائِضِكَ وَسُنَنِكَ وَأَحْكَامِكَ؛

بار خدایا! تو می دانی که آنچه از ما اظهار شده برای رقابت در قدرت و دست یابی به کالای دنیا نبوده، بلکه هدف ما این است که نشانه های دینت را به جای خود برگردانیم و بلادت را اصلاح نماییم، تا ستمدیدگان از بندگانت امنیت یابند و به واجبات و سنت ها و دستورهای دینت عمل شود.

در این سخن هم چند نکته قابل توجه است: ۱. برگرداندن نشانه و علائم دین به جای اصلی خود، ۲. اصلاحات در همه شهرها، ۳. ایجاد امنیت برای مردم، ۴. فراهم ساختن زمینه عمل به واجبات و مستحبات و احکام الهی.

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

۳. در برخورد با سپاه حرّ بن یزید ریاحی فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ فَإِنَّكُمْ إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ وَتَعَرَّفُوا الْحَقَّ لِأَهْلِهِ يَكُنْ أَرْضَىٰ اللَّهُ وَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ﷺ أَوْلَىٰ بِوَلَايَةِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُدَّعِينَ مَا لَيْسَ لَهُمْ وَالسَّائِرِينَ بِالْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ<sup>۱</sup>

ای مردم اگر شما از خدا بترسید و حق را برای اهلش بشناسید، این کار بهتر موجب خشنودی خداوند خواهد بود. ما اهل بیت پیامبر ﷺ، به ولایت و رهبری، از این مدعیان نالایق و عاملان جور و تجاوز، شایسته‌تریم.

۴. و نیز در مقام دیگر فرمود:

إِنَّا أَحَقُّ بِذَلِكَ الْحَقِّ الْمُسْتَحَقِّ عَلَيْنَا مِنْ تَوَلَّاهُ<sup>۲</sup>

ما اهل بیت به حکومت و زمامداری - نسبت به کسانی که آن را تصرف کرده‌اند - سزاوارتریم.

از این دو بخش از سخن امام علیؑ نیز به وضوح استفاده می‌شود که آن حضرت خود را شایسته رهبری و زمامداری بر مردم می‌داند، نه یزید فاسد و دستگاه جائر او را. بنابراین، هدف امام حسینؑ در این قیام، تحقق کامل حق بوده است. اموری که آن حضرت به عنوان فلسفه قیامش به آنها اشاره می‌کند، از قبیل: اصلاح امت، امر به معروف و نهی از منکر، تحقق سیره پیامبر ﷺ و علیؑ، برگرداندن علائم و نشانه‌های دین به جای خود، اصلاحات در شهرها، امنیت اجتماعی، فراهم ساختن زمینه اجرای احکام، همه و همه این امور، زمانی قابل تحقق و اجراست که ولایت و حکومت در مجرا و مسیر اصلی اش قرار گیرد و به دست امام علیؑ بیفتد؛ لذا فرمود:

ما اهل بیت شایسته این مقامیم نه متصرفان متجاوز و جائر.

پس هدف نهایی آن حضرت، تشکیل حکومت اسلامی بر اساس سیره پیامبر ﷺ و علیؑ بوده است؛ که در پرتو آن، احکام الهی اجرا می‌شود و نشانه‌های دین آشکار و شهرها اصلاح و امنیت پابرجا و امر به معروف و نهی از منکر انجام، و سیره و سنت پیامبر ﷺ و علیؑ متحقق، و در نتیجه کار امت اصلاح می‌گردد.

۱. الفتوح، ج ۵، ص ۱۳۷.

۲. اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۵۹۰.

نکته شایان توجه این که تلاش خالصانه برای تشکیل حکومت اسلامی که منبع و منشأ تمام خیرات و برکات است - و شعبه مهم ولایت علی و آل علی علیهم‌السلام هم که همان قبول حاکمیت و پذیرش تفسیر آنان از دین است - غیر از حکومت و سلطنت استبدادی و ریاست طلبی و کشورگشایی بر اساس هواهای نفسانی است که منشأ تمام مفاسد و شرور است.

با توجه به توضیح داده شده می‌توان گفت: اجرا و عمل کامل به این دو وظیفه الهی و انسانی در دوران اخیر از جانب امام علیه‌السلام و یاران فداکار و حاضر در صحنه او بود که انقلاب اسلامی در ایران پیروز شود و بزرگ‌ترین قدرت فاسد و طاغوتی منطقه از بین برود، چرا که بالاترین درجه امر به معروف، تشکیل حکومت اسلامی و حفظ و تداوم آن و گسترش نفوذ و حیطة حاکمیت آن است و برترین شکل نهی از منکر، محو باطل و نابودی حکومت فاسد و نامشروع است و امروز عمل به همین دو وظیفه ایجاب می‌کند تا با حفظ میراث امام و شهدا در داخل کشور در برابر کژی‌ها و انحرافات ساکت و بی‌تفاوت ننشینیم بلکه با آن به مبارزه جدی برخیزیم و به راستی و صلاح و سداد تبدیل سازیم و به موجب احساس مسئولیت در قبال سرنوشت دیگر مسلمین و مظلومین و مستضعفین جهان بی‌تفاوت نباشیم و پیام رهایی‌بخش انقلاب را به گوش ستم‌دیدگان مظلوم و تشنگان عدالت برسانیم و از این رهگذر زمینه‌ساز دولت یار و برپائی حکومت آزادی‌بخش جهانی اسلام به رهبری امام عصر علیه‌السلام باشیم.

این دو اصل، ضامن اجرای تکالیف الهی و دستورهای دین و حفظ جامعه از آسیب‌های درونی و بیرونی و دره‌مه‌ زمینه‌هاست و از لوازم قطعی حکومت اسلامی و حفظ آن است! و اگر این دو اصل را دولت و مردم رعایت کنند اهرم قوی و نیرومندی است برای حفظ نظام از کید دشمنان خارجی و جلوگیری از انحرافات و سوء استفاده‌های احتمالی و فساد اداری و دفع و رفع و ریشه کردن مفاسد اجتماعی و عامل بسیار موثر برای فراخواندن کارگزاران جامعه به سمت صلاح و فلاح و گرایش به ارزش‌ها و توجه به معنویات و بی‌اعتنا بودن و پشت‌پازدن به ضد ارزش‌ها و اعمال خلاف اخلاق و شئون انسانی و نتایج و آثار ارزشمند بی‌شمار دیگری که بر هیچ خردمندی پوشیده نیست.

اما اگر این دو فریضه فراموش و تعطیل شود و تز «به من چه؟» «به تو چه؟» در اندیشه‌ها رشد یابد و در قضاوت‌ها مقبول افتد و رسالت و مکتبی و وظیفه دینی و

انسانی فراموشمان شود و احساس مسئولیت در قبال زحمات امام و خون‌های شهیدان از یادمان برود و حساسیت انقلابی در جامعه تضعیف گردد یا از بین رود و تدریجاً روحیه بی‌تفاوتی و قبول تز «آهسته برو که گربه ساخت نزند» برآحاد جامعه یا اکثریت آن حاکم گردد و یا برای جلب منافع شخصی، روحیه تملق و چاپلوسی و بله قربان‌گویی و تائید و حمایت ناصواب رشد پیدا کند و مصالح عمومی نادیده گرفته شود و آگاهان جامعه به فکر چاره نباشند و در تغییر این وضعیت نامیمون وارد عمل نشوند خطر جدی‌ای برای حیات انقلاب و آرمان مقدس امام و شهیدان و رهبری انقلاب و مدیران دلسوز انقلاب و کشور است که ممکن است در آینده دور یا کوتاه مدت آثار سوء و نتایج ویرانگر آن گریبان‌گیر همه شود و فساد در ابعاد و اشکال گوناگون، حکومت و جامعه را فراگیرد و این آتش دامن همه را بگیرد و این دود به چشم همگان رود و همچون ویروس سرطان‌دیری نباید که جامعه را فلج و از پای بیندازد و به زندگی جمعی چهره حیوانی دهد.

### گسترش امر به معروف و نهی از منکر

بی‌تردید اگر همه مردم به این اصل مهم امر به معروف و نهی از منکر پای‌بند باشند و هر کس در محدوده زندگی خویش زشت‌کاران را از زشتی باز دارد و به کردار نیک فرمان دهد، دشمن هرگز روزه‌ای برای نفوذ نخواهد یافت.

رهبر همیشه بیدار انقلاب اسلامی حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای در بخشی از سخنان خویش به اهمیت این حقیقت اشاره کرده و می‌فرماید:

مسئله امر به معروف، تکلیف همیشگی مسلمان‌هاست. جامعه اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر زنده می‌ماند. قوام حکومت اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر...

منکرات هم اخلاقی، هم سیاسی و هم اقتصادی است؛ همه جا هم جای نهی از منکر است؛ یک دانشجو هم می‌تواند در محیط درس و علم، نهی از منکر کند. یک کارمند شریف هم در محیط کار خود می‌تواند نهی از منکر کند؛ یک کاسب مؤمن هم در محیط کار خود می‌تواند نهی از منکر کند؛ یک هنرمند هم با وسایل هنری خود می‌تواند نهی از منکر کند. و این مهم حاصل نمی‌شود جز با تمهیداتی که مسئولان و دلسوزان نظام باید در برابر آسیب‌های اجتماعی بیندیشند که اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

**۱. تقویت ایمان مردم**

با یقین به حقایق با عظمتی چون آفریدگار جهان، پیامبران الهی و رستاخیز نوعی تعهد در انسان پدید می‌آورد و میزان مصونیت او را در برابر یورش هواهای نفسانی و تزیین‌های شیطانی افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر، تقویت باورهای دینی و پی‌ریزی بینشی درست در زمینه مذهب و سیاست می‌تواند چون سنگری نفوذناپذیر مردم را در برابر بمباران فرهنگی دشمن درون و بیرون محافظت نماید و دشمنان را ناکام و ناامید سازد. بی تردید، چنین ایمانی جامعه را به جهت‌گیری صحیح رفتاری رهنمون می‌شود و نه تنها از کثر روی و ناهنجاری‌ها باز می‌دارد. بلکه انسان‌ها و جوامع دیگر را نیز به صلاح و سداد دعوت می‌نماید.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُم بِإِيمَانِهِمْ﴾

(ولی) کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پروردگارش آنها را در پرتو ایمانشان هدایت می‌کند.<sup>۱</sup>

مردم باید بدانند که دشمنان با یورش فرهنگی می‌خواهند هسته مقاومت درونی ملت‌ها و انسان‌ها را با امواج تبلیغات ضد فرهنگی خود منهدم سازد قبل از آنکه بخواهد دروازه را با نیروی نظامی بگشاید و اشغال‌گرانه وارد شهر شود، به تجربه دریافته است که می‌تواند با زحمت کمتر، ابتدا از دروازه دل‌ها و اندیشه‌ها و خواسته‌های آدم‌ها بگذرد و به درون افکار و اندیشه‌ها راه یابد و پس از آن به آسانی آنچه را که می‌خواهد در اختیار بگیرد. یعنی فتح مغزها و اندیشه‌ها، فتح آرمان‌ها و ایمان‌ها و در یک کلام فتح فرهنگ‌ها. اگر چنین شود، آن‌گاه خود آدم‌ها دروازه را از داخل به روی آنان باز خواهند کرد.

**۲. زدودن فقر اقتصادی**

تنگ‌دستی را شاید بتوان از پلیدترین پدیده‌های جامعه به شمار آورد. حقیقت ناگواری که پیشوایان دین آن را به کفر نزدیک دانسته‌اند و دانشمندان از آن به عاملی برای آغاز انحراف و بزهکاری یاد کرده‌اند.

۱. یونس، آیه ۱۰.



بی‌تردید بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی چون سرقت، ولگردی، گدایی، خودفروشی و... به علت تنگدستی و بی‌چیزی به وجود می‌آید. نگاهی گذرا به بزه‌کاران و ساکنان ندامت‌گاه‌ها، ما را بدین حقیقت دردآور رهنمون می‌شود که شمار بسیاری از آنان در اثر تهیدستی، پای در این راه شوم و بدفرجام نهاده‌اند. پدیده فقر در هر جامعه‌ای که چهره کریه خود را به نمایش بگذارد، مانند سیلی بنیان‌کن تمامی ارزش‌های انسانی را از بن ویران می‌کند و کاخ‌های کرامت و شرافت آدمی را به بیغوله‌های ننگ و بدنامی تبدیل می‌کند و در برابر پدیده‌های اجتماعی خطرناکی همچون رشوه‌دهی و رشوه‌گیری فریب و روباه‌صفتی دزدی، حرص و طمع، دست‌اندازی به اموال دیگران، کم‌فروشی و... ارزش‌های فرهنگی جامعه را در کام شعله‌های سرکش خود خواهد سوزاند.

### ۳. احیای عزت نفس

از جمله راه‌های مبارزه با سلطه بیگانگان، احیای روحیه عزت نفس در بین اقلیت‌ها و مختلف جامعه می‌باشد. بنابراین لازم است با تقویت این روحیه و زدودن احساس خودکم‌بینی مردم جامعه اسلامی را از تقلید کورکورانه از روش‌های زندگی بیگانگان باز داشت.

### ۴. مبارزه با روحیه تجمل‌گرایی

امروزه اثر مستقیم روحیه تجمل‌گرایی بر واردات کالاهای مصرفی لوکس و پیروی از مدهای گوناگونی که حجم انبوهی از فرهنگ و ارزش‌های غربی را یدک می‌کشند، بر کسی پوشیده نیست. نگاهی به زندگی روزانه مرفهین بی‌درد نشان این واقعیت است که پیروی از مد، حتی در شیوه خوراک آنان نیز دگرگونی پدید آورده است. البته زیان روحیه رفاه‌جویی و تجمل‌گرایی تنها در تغییر شیوه پوشش، خوراک و رفتارهای اجتماعی و شخصی آشکار نمی‌شود بلکه در بالا رفتن میزان بزهکاری‌ها و زیر پا نهادن اصول اخلاقی نیز اثری شگرف دارد. افزایش خواسته‌های افراد که در سایه چنین روحیه‌ای پدید می‌آید انگیزه‌ای نیرومند برای سرقت، کلاهبرداری، رشوه و... به شمار می‌آیند.

از این رو، در مبارزه فرهنگی، زدودن روحیه تجمل‌گرایی از دل‌های مردم باید به گونه‌ای جدی مورد توجه قرار گیرد. و اثرات منفی آن برای جامعه تبیین شود تا جامعه

با نگرشی آگاهانه به مسائل بیندیشند و از روی آوردن و تسلیم بی چون و چرا در برابر امواج ویرانگر این شیخون مخرب در امان باشند.

#### ۵. اشباع نیازهای طبیعی انسان از راه‌های مشروع

انسان مجموعه‌ای در هم پیچیده از غرایز گوناگون است. غرایزی که پیوسته او را به جنبش در کوچه‌های پر پیچ و خم زندگی فرا می‌خواند. این خواسته‌ها به گونه‌ای نیرومندند که می‌توانند انسان را در پی خویش به بیغوله‌های تاریک و ناشناخته انحراف بکشانند. با توجه بدین حقیقت برآورده نشدن این غرایز در حد معقول و یا زیاده روی در کامروایی غریزی می‌تواند خطر ساز باشد. رها ساختن نامعقول مردم در بهره‌گیری هر چه بیشتر و به هر شکل ممکن از این نیروهای مقدس، آنان را از تلاش در سازندگی خویش و جامعه باز می‌دارد و جلوگیری از ارضای غرایز در حد مشروع، یا ناتوانی در برآوردن نیازهای طبیعی نیز زمینه را برای روی آوردن همه جانبه به سوی برنامه‌های مخرب دشمن فراهم می‌آورد؛ انبوه مردم سوخته در آتش غرایز را در دام سرکشی و گسستن بندهای اخلاق و عفاف گرفتار می‌سازد.

#### ۶. پیش‌گیری از نفوذ عوامل فرهنگی دشمن

عناصر خود فروخته فرهنگی، مطبوعات و مجله‌های گمراه کننده، فیلم‌های مبتذل و... نمونه‌هایی از عوامل فرهنگی دشمن به شمار می‌آیند. امام امت علیه السلام در این باره می‌فرماید:

اکنون وصیت من... آن است که نگذارند این دستگاه‌های خبری و مطبوعات و مجله‌ها، از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی آن که موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می‌شود، از نظر اسلام و عقل محکوم است و تبلیغات و مقالات و سخنرانی‌ها و کتب و مجلات برخلاف اسلام است و عفت عمومی و مصالح کشور، حرام است و بر همه ما و همه مسلمانان جلوگیری از آنها واجب است. و از آزادی‌های مخرب باید جلوگیری شود. و از آنچه در نظر شرع حرام و آنچه برخلاف مسیر ملت و کشور اسلامی و مخالف با حیثیت جمهوری اسلامی است، به طور قاطع اگر جلوگیری نشود، همه مسئول می‌باشند.

#### ۷. استفاده از همه ابزارهای ممکن برای دفاع فرهنگی

اگر دشمن برای شکست ما به هر وسیله ممکن چنگ می‌زند، ما نیز باید به حکم دستور قرآنی «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با

آنها [= دشمنان]، آماده سازید!<sup>۱</sup> از هر وسیله مشروع سلاحی بسازیم و از فرهنگ اسلامی خویش پاسداری کنیم. در این راه باید از یک سو امکانات فرهنگی، هنری و ورزشی توسعه یابد؛ تا جوانان به تفریحات سالم روی آورند و از سوی دیگر باید همه کوشش‌های فرهنگی و... در دفاع از ارزش‌های الهی هدایت شود.

رهبر فقید انقلاب اسلامی امام خمینی علیه السلام در این باره می‌فرماید:

در رژیم سابق تمام چیزها، خصوصاً فرهنگ و هنر محتوایش عوض شده بود. یعنی کسی که نام سینما را می‌شنید، خیال می‌کرد که آن‌جا باید مرکز فساد و سوء اخلاق و مرکز مخالفت با همه چیز باشد. و یا کلمه تئاتر در ذهن انسان چیز مبتدلی بود که از آن بهره فساد برده شود؛ هکذا همه چیز دیگر. و عمده این است که ما ذهن این جوان‌ها و حتی پیرها و روشنفکرها نماها را آماده کنیم که ما خودمان آدم هستیم و این طور نیست که در همه چیز دستمان را پیش دیگران دراز کنیم... بنابراین مدت‌ها باید زحمت بکشیم و باور کنیم که خودمان دارای یک فرهنگ بزرگ انسانی با ارزش‌های اسلامی هستیم. و اگر امروز کمبود نیروی انسانی هست، به خاطر همین است که افکار به آن طرز تفکر عادت کرده است؛ لذا ساختن تئاتری که مطابق با اخلاق انسانی - اسلامی باشد، زحمت دارد. و سینما هم اگر بخواهد چنین باشد، نیازمند به صرف مدت‌ها وقت است و هرگز در متن سینما و تئاتر نوشته نشده است که باید مرکز فساد باشند.

#### ۸. تدوین معیارهای نوین ارزیابی آثار فرهنگی

بی‌تردید هدایت کوشش‌های جامعه در مسیر فرهنگ الهی، تلاشی همه‌جانبه و دیر پا می‌طلبد.

دست‌اندرکاران امور فرهنگی برای دستیابی بدین هدف، باید از یک سو به تدوین معیارهای جدید ارزیابی آثار فرهنگی - هنری پردازند، زیرا هرگز معیارهای دشمن با معیارهای برآمده از فرهنگ ما یکسان نیست. و از سوی دیگر، باید از نیروی جوانان مؤمن در پاسداری از ارزش‌های الهی سود برد، و از منزوی ساختن آنان تنها به دلیل تازه‌کار بودن و دست نیافتن به تشویق‌ها و جوایز غریبان بر حذر بود.

رهبر بیدار انقلاب اسلامی، حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای در این باره می‌فرماید:

میدان بدهید به همه و هرکس که می‌خواهد برای این ملت کار کند. ما می‌گوییم اجازه منزوی شدن عناصر خودی را ندهید... من می‌گویم اگر می‌خواهید هنر این

کشور رشد و اعتلا پیدا کند، به هنرمند جوان مؤمن تکیه بکنید. زیرا او می‌تواند از اسلام و انقلاب و کشور دفاع کند.

در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام در رابطه با این دو فریضه (ضرورت امر به معروف و نهی از منکر، شرایط، مراتب و مراحل، شیوه‌ها و کیفیت اجرای آن دو و نظائر اینها) رهنمودهای ارزشمند و فراوانی ارائه گردیده است جالب آنکه نه تنها در اسلام بلکه به لحاظ اهمیت و ضرورت این دو، برابر روایاتی از پیشوایان دین «امر به معروف و نهی از منکر» دو واجب الهی در ادیان پیشین نیز جزء کار و رسالت انبیاء و جزء دستورالعمل مهم آسمانی‌شان بوده است.

و امیرالمؤمنین علیه‌السلام در وصیت به امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام، لحظاتی قبل شهادت بیان فرمود:

اگر این دو واجب در جامعه ترک شود تدریجاً بیگانگان بر سرنوشت و مقدمات شما حاکم می‌گردند، آنگاه هرچه نیکان شما دعا کنند نتیجه و اثری نخواهد داشت.

پیداست که حفظ دین و تضمین سلامت و امنیت جامعه و رعایت شئون انسانی و اسلامی و حاکمیت و ارزش‌های مذهبی و اجتماعی با همهٔ ابعادش به این دو بسته است و در سایهٔ عمل به این دو وظیفه الهی است که عقول و اندیشه‌ها بارور و استعدادها شکوفا می‌گردد و جامعه از خطر انحرافات و ناهنجاری‌های درونی و بیرونی و در نهایت از سقوط در پرتگاه‌ها صیانت می‌شود و روی به کمال می‌نهد.